

Scale Pluralism & Institutional Overdose in Iran's Environmental Policy & Structure

Arashk Holisaz¹

Assistant Professor of Watershed Management Science & Engineering, Gorgan
University of Agricultural Sciences & Natural Resources, Gorgan, Iran

Sajedeh Safikhani

Ph.D. Student of Watershed Management Science & Engineering, University of
Hormozgan, Bandarabbas, Iran

(Received: 2021/05/29 -Accepted: 2021/12/04)

Abstract

Ignoring the spatial scale in understanding of environmental processes resulted in a vagueness in problem statement, legislative inefficiencies & Institutional overdose. Assigning spatial concepts to natural & environmental objects make the scale & a critical point in legislation & policymaking. Focusing on qualitative content analysis & institutional approach & proportional & predicative basis in logic perception of legislator & policymakers were surveyed in environmental laws & Policies. 364 of such documents, emphasizing on water Equity Act & Soil Conservation Act, showed that scale Pluralism cause a type of vagueness & Institutional overdose at last. It is necessary to define such a base spatial Unit which could represent the problem in national level.

Keywords

Legislation & Regulation, Spatial scale, State, Institutional Overdose, Unit.

Copyright © 2022 The Authors. Published by Faculty of Law & Political Science, University of Tehran.



This Work Is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0)

¹- Corresponding Author's Email: Holisaz@hormozgan.ac.ir



فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۸۸-۱۶۷

مقاله پژوهشی

تکثر مقیاسی و سوء مصرف نهادی در سیاست‌ها و تشکیلات محیط‌زیست ایران

ارشک حلی‌ساز^۱

استادیار علوم و مهندسی آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان،

ایران

ساجده صفی‌خوانی

دانشجوی دکتری علوم و مهندسی آبخیزداری دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۳)

چکیده

عدم توجه به مقیاس مکانی مورد استفاده در درک فرآیندهای زیست‌محیطی منجر به اتخاذ تصمیمات نادرست و ناکارآمدی قوانین و مقررات وضع‌شده و در نهایت سوء مصرف نهادی در این بخش می‌شود. یکی از نقاط عزیمت چنین سوء مصرفی، انصاف و ویژگی‌های مکانی و وابستگی درونی مفاهیم محیط‌زیستی با مقیاس است. این پژوهش با تمرکز بر تحلیل محتوای کیفی و رهیافت نهادگرایی و استفاده از منطق نسبت‌ها و محمول‌ها، اقدام به بررسی درک قانون‌گذار از مقیاس مکانی در اسناد قانونی و سیاستی مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی در ایران و بررسی ارتباط سوء مصرف واژه‌های مقیاسی با سوء مصرف نهادی می‌کند. تحلیل ۳۶۴ سند قانونی با تمرکز بر قانون‌های توزیع عادلانه آب و حفاظت از خاک نشان می‌دهد که عدم توجه به مسئله تکثر و تداخل مقیاسی، باعث تولید مسائل دارای ابهام و بروز انواع سوء مصرف‌های نهادی می‌شود. توصیه سیاستی اکید آن است که قانون‌گذار با تعیین یکای پایه مبتنی بر درک مکانی در سطح ملی اقدام به تدوین قانون کند و تعریف مسأله را از منظری ملی در قانون و سیاست متبلور کند.

واژگان کلیدی: قوانین و مقررات زیست‌محیطی، مقیاس مکانی، حکومت، سوء مصرف‌های نهادی، یکا.

مقدمه

هم‌زمانی روند رو به تزاید تخریب‌های محیط‌زیستی (Duit, 2014)، با روند رو به رشد و پیچیده‌تر شدن قانون‌گذاری‌های محیط‌زیستی (Ioris, 2014) و ظرفیت‌سازی‌های قابل توجهی که حکومت‌ها در حوزه‌های مدیریتی، نهادی، تنظیمی و تقنینی مرتبط با محیط‌زیست دارند (Duit, 2014) و تمرکز مجدد مطالعات و بحث‌های چند قرن اخیر در خصوص کارآیی اصلاحات قانونی و نهادی، به‌نوعی بیان‌کننده تنزل فهم در تنظیم مقررات محیط‌زیستی و مدیریت محیط‌زیست است (Ioris, 2014)؛ چراکه علی‌رغم جدی‌بودن حکومت‌ها در مواجهه و درگیر شدن با مسائل محیط‌زیستی (Meadowcroft, 2014)، وضع و توسعه گسترده مقررات محیط‌زیستی و تغییرات بنیادین آن‌ها در طول چهار دهه گذشته (Sommerer, 2014)، تلاش جوامع نه‌تنها در تغییر جهت روند تخریب محیط‌زیست موفق نبوده‌است، بلکه حتی نتوانسته‌است سرعت فرآیندهای تخریب محیط‌زیست را کاهش دهد. کشور ایران نیز با این‌که سابقه حقوق محیط‌زیستی بیش از نیم قرن دارد (Vaez-Javadi, 2009; Jamshidi, 2009) و علی‌رغم پیش‌گامی‌اش در عرصه‌ی قانون‌گذاری‌های محیط‌زیستی و دارا بودن قانون و مقررات متعدد، هم‌چنان با تخریب محیط‌زیست روبه‌رو است و قوانین و مقررات محیط‌زیستی آن در عمل اثربخش نبوده‌اند (Niazi, 2008). بدیهی است که وضع قوانین و مقررات محیط‌زیستی کشور، با در نظر گرفتن نیازهای اصولی جامعه تحقق پیدا می‌کند و توجه به چشم‌انداز و افق بلندمدت و سیاست‌های کلان کشور از اصول اساسی و بنیادین، تدوین، تصویب و اجرای این قوانین و مقررات است (مجموعه قوانین و مقررات محیط‌زیست) اما باید توجه داشت که عرصه سیاست‌گذاری‌های محیط‌زیستی با مباحث جدی دیگری نیز در پیوند است (Knill & et al, 2014). به‌عبارتی از آن‌جا که یکی از پایه‌های اساسی مدیریت محیط‌زیست و استفاده اثربخش از آن به دانش برمی‌گردد و دانش، بیشترین آثار مطلوب و نامطلوب را در محیط‌زیست دارد (National Environmental Document of the Islamic Republic of Iran, 2012)، لذا نقش انتخاب مقیاس به‌عنوان مفهومی مؤثر در شناخت پدیده‌ها بسیار تعیین‌کننده است (Goodchild & Quattrochi, 1997). در بین قوانین و مقررات زیست‌محیطی کشور، مقیاس‌هایی دیده می‌شوند که به نظر بسیار نزدیک به هم هستند و این انتظار در خواننده و مجری به‌وجود می‌آید که قانون‌گذار به تفاوت‌های جزئی و اندک بین این مقیاس‌های مکانی هم نظر داشته‌است و هر کدام از آن مقیاس‌ها را با توجه به معنا و تعریفی که از آن‌ها دارد، به‌کار برده‌است (Helisaz & et al. 2013) اما این‌که آیا مقیاس‌های مکانی انتخابی در اسناد قانونی و سیاستی در مجموعه قوانین و مقررات محیط‌زیستی پاسخ‌گوی همکاری‌های سازمانی و میان‌سازمانی نهادها و تشکیلات مرتبط با محیط‌زیست هست یا نه؟ مسأله‌ای است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود. به‌عبارتی این پژوهش با بررسی درک قانون‌گذار از مقیاس مکانی در اسناد قانونی و سیاستی مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی کشور و تعیین جایگاه و وزن مقیاس مکانی در ساحت نظام حقوقی ایران، سعی دارد که نشان

دهد درک قانون‌گذار از مقیاس مکانی که منتج از دانش او و داشتن تصویری روشن از اندرکنش‌های مستقیم و غیرمستقیم فرآیندهای زیست‌محیطی است، با درک و اهداف کلی نهادها و تشکیلات اداری از مقیاس مکانی که مکلف به پیاده‌سازی قانون و سیاست هستند، مطابقت ندارد.

نهاد قانون در بخش محیط‌زیست

علی‌رغم نظارت و اجرای قوی نهاد قانون‌گذاری در تدوین قوانین محیط‌زیستی، طراحی و تدوین سیاست‌گذاری‌های تقنینی بر اساس ملاحظات محیط‌زیستی (Abdullahi & Rizvanifar, 2012) و تصویب قوانین و مقررات متعدد و سخت‌گیرانه در زمینه حفاظت از محیط‌زیست اما تخریب محیط‌زیست و بحران‌های ناشی از آن، همچنان یکی از معضلات عمده ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر محسوب می‌شود (Abdullahi & Masoud, 2010). در حقیقت با این‌که تنظیم قوانین و مقررات محیط‌زیستی، یکی از مجراهای مهم بهسازی و مقابله با مشکلات محیط‌زیست است که توسط دولت‌ها اجرا می‌شود (Hannigan, 2013) و از زمان انتشار اعلامیه استکهلم در مورد محیط‌زیست در سال ۱۹۷۲، تا به امروز تعداد آن‌ها در جهان، ۳۸ برابر افزایش یافته‌است (Cornish, 2019) که نشان‌دهنده توجه و اهتمام به مباحث مرتبط با محیط‌زیست است (Collection of environmental laws & regulations) اما فرآیندهای به‌شدت رشدیابنده تخریب محیط‌زیست (Duit, 2014)، باعث به‌وجود آمدن فضایی در نگاه به نظام حقوقی محیط‌زیست در ادبیات علمی شده‌است که قوانین و مقررات محیط‌زیستی را از منظرهای متفاوتی در معرض نگاه‌های انتقادی قرار داده‌است. به طور مثال (Cornish, 2019) در گزارش خود بیان می‌کند که ارزیابی قوانین جهانی محیط‌زیست، شکاف‌های گسترده‌ای را بین تدوین قانون، اجرای قانون و آژانس‌های زیست‌محیطی برجسته می‌کند. بیانیه پایانی همایش حقوق محیط‌زیست و تعالی همه جانبه کشور (2008) نیز بر ضرورت بازنگری قوانین و مقررات ناظر بر حفاظت محیط‌زیست، تقویت و تحکیم بنیادهای حقوق توسعه پایدار و تلاش به‌منظور تدوین قوانین جامع، مانع، دقیق، شفاف، کارآمد و قاطع محیط‌زیستی تأکید می‌کند (The final statement of the conference on environmental rights & progress of the country, 2008). در این همایش، جواهری بیان می‌کند که در قوانین زیست‌محیطی کشور بعضاً «تعارض» مشاهده می‌شود و یک تعریف جامع و کامل حقوقی از محیط‌زیست در قوانین وجود ندارد (The final statement of the conference on environmental rights & progress of the country, 2008). ساعد نیز قوانین و مقررات محیط‌زیستی کشور را قابل مقایسه با حقوق محیط‌زیستی سایر کشورها نمی‌داند و بیان می‌کند که استفاده از حقوق تطبیقی در بازمبانی قوانین و مقررات محیط‌زیستی و ارتقای وضعیت موجود بیش از پیش احساس می‌شود، چراکه قوانین و مقررات محیط‌زیستی کشور نسبت به سایر کشورها توسعه‌نیافته هستند و همچنین نمودی از حقوق نسل‌های

آینده که به‌عنوان یک اصل راهنما در حقوق محیط‌زیستی سطوح ملی و بین‌المللی شناسایی شده‌است، در قوانین کشور مشاهده نمی‌شود (The final statement of the conference on environmental rights & progress of the country, 2008). عبداللهی و فریادی (2010) با بررسی اجمالی نارسایی‌های نظام قانونی، حوزه حفاظت از محیط‌زیست را یکی از متورم‌ترین و پراکنده‌ترین حوزه‌های قانون‌گذاری در کشور می‌دانند و در پژوهش خود بیان می‌کنند که تصویب اغلب قوانین پایه‌ای حفاظت محیط‌زیست ایران به سال‌های پیش از انقلاب مربوط می‌شود و اصلاحات بنیادین چندانی در آن‌ها به عمل نیامده‌است. لذا تصویب این قوانین و مقررات پراکنده و موازی و خلأها و کاستی‌های گوناگونی که در آن‌ها موجود است، در کنار ساختار کنونی سازمان حفاظت محیط‌زیست، کارکرد این سازمان را ناکارآمد ساخته‌است. بنابراین با اصلاح قوانین و ادغام آن در بطن یک مجموعه و همچنین ادغام نهادهای موازی محیط‌زیستی در قالب یک وزارتخانه قوی می‌توان به مدیریت جامع، یکپارچه و کارآمد در حوزه محیط‌زیست دست یافت. داوری و همکاران (2019) نیز با تمرکز بر رویکردی تحلیلی و بررسی نمونه‌های عینی و موردی، درخصوص ضرورت بازنگری قانون توزیع عادلانه آب، بیان می‌کنند که بخش آب کشور در طی سالیان گذشته نتوانسته است آن‌گونه که باید جایگاه خود را در سطح جامعه تبیین کند که این به نواقص و عدم شفافیت کافی در قانون توزیع عادلانه آب و رویه‌های اجرایی آن بازمی‌گردد. لذا این قانون نیازمند بازنگری است، چراکه علی‌رغم سیر سریع تحولات اجتماعی، اقلیمی و اقتصادی، قانون توزیع عادلانه‌ی آب از سال ۱۳۶۱ تاکنون اصلاح یا تکمیل نشده‌است و در موادی ناکارآمد است و موجب نقض قوانین دیگر و سوء استفاده از منابع آبی نیز می‌گردد. در نشست هم‌اندیشی رئیس قوه قضاییه با فعالان محیط‌زیست نیز بر ناکارآمدی قوانین و مقررات محیط‌زیستی تأکید می‌شود. در این نشست سلاجقه (2019) بیان می‌کند که حجم قوانین محیط‌زیستی کشور بسیار زیاد است و برخی قوانین نیز منسوخ شده‌اند، لذا جامع‌نگری در قوانین باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین عدم وجود متخصصان در رأس مجموعه محیط‌زیست کشور یکی از چالش‌های نظام حقوقی محیط‌زیست است که باعث تدوین و اجرای قوانین نادرست می‌شوند. به‌عنوان مثال قانون جامع منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در مجلس شورای اسلامی از دستور کار خارج و قانون جامع خاک به‌عنوان یکی از اجزای منابع طبیعی به نادرست جایگزین آن شد. از سوی دیگر، مسأله بررسی قوانین و مقررات محیط‌زیستی، به‌عنوان یک تحقیق در زمینه‌های اقتصادی، علوم سیاسی و اجتماعی و بررسی ابزارها و رویکردهای مورد استفاده برای اجرای قانون نیز مورد توجه محققان قرار گرفته‌است (Maljean-Dubois, 2017). یکی از نمونه‌ها که می‌تواند این رویکرد انتقادی را نشان دهند، مطالعه حلی‌ساز (۱۳۹۸) است که با بررسی قانون حفاظت از خاک بیان می‌کند این قانون با رویکرد سیاست‌اجبار و بدون

۱- ابزارهای تشویقی، ابزارهای داوطلبانه، خصوصی و رویکردهای جدیدی مانند مکانیسم‌های مبتنی بر بازار و رویکردهای مشارکتی.

وارد کردن بخش عمومی و اتخاذ روش‌های سیاست باز تدوین شده‌است، لذا جامع نیست و بر فرآیند پولی‌سازی خاک تمرکز دارد. فارغ از تمامی نقدهایی که بر نظام حقوقی محیط‌زیست وارد است، بررسی ادبیات علمی نشان می‌دهد که مطالعات مربوط به ارزیابی کارایی و اثربخشی قوانین و مقررات محیط‌زیستی عموماً به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: (۱) بررسی اثربخشی قانونی به معنای میزان رعایت قانون، (۲) بررسی اثربخشی رفتاری که نشان می‌دهد وضعیت از کجا متفاوت است؟ و شامل مطالعاتی که نشان می‌دهند تدوین قوانین و مقررات به چه میزان توانایی تغییر رفتار بازیگران اقتصادی و اجتماعی را دارد و (۳) بررسی اثربخشی حل مسأله به منظور بررسی میزان نیل به اهداف قانون‌گذاری و چگونگی اقدام نهادها و سازمان‌ها برای دستیابی به این اهداف (Maljean-Dubois, 2017) و کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که علت ناکارآمدی قوانین و مقررات محیط‌زیستی را مقیاس مکانی بدانند. به عبارتی، از آنجایی که سیاست‌گذاری‌های محیط‌زیست، دالانی است که در یک سمت آن مشکلات محیط‌زیستی به عنوان بخشی از مسائل عمومی قرار دارند و در سمت دیگر آن راه‌کارهای حل مسأله (Abdullahi & Rizvanifar, 2012)، لذا توجه به دانش فنی محیط‌زیست که مقیاس‌های مکانی، زمانی و مکانی-زمانی ویژه خود را دارند، برای رساندن راه‌حل‌ها به مشکلات، امری بسیار ضروری در عرصه سیاستگذاری و تدوین قوانین و مقررات است. در حقیقت، حوزه مدیریت محیط‌زیست هم با مسائل پیچیده انسانی و هم با فرآیندهای ناشناخته و پیچیده طبیعت سروکار دارد که هر یک در مقیاس‌های ویژه‌ای قابل بررسی هستند، لذا توجه به مقیاس به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین و چالش برانگیز در عرصه مدیریت محیط‌زیست امری بسیار ضروری در عرصه سیاستگذاری است، چراکه تصمیم‌گیری در باب محیط‌زیست عموماً با ائتلاف ویژگی‌های مکانی همراه است و فرآیند مدیریت محیط‌زیست از طریق تعیین محدوده‌های تصمیم‌گیری، تعیین واحدهای مدیریتی و اعمال سیاست‌های کلی اتخاذ شده در این محدوده‌ها قابل شناسایی است. لذا نقش انتخاب مقیاس، به دلیل پُرننگ بودن وجه مکانی تصمیم‌گیری توجه جدی را در عرصه سیاستگذاری‌های محیط‌زیستی می‌طلبد. چراکه مطالعه یک فرآیند در مقیاس‌های کوچک لزوماً بیان نمی‌کند چه اتفاقی در مساحت‌های بزرگ‌تر رخ می‌دهد. نه الگوهای اندازه‌گیری شده در مقیاس‌های کوچک در مقیاس‌های بزرگ‌تر جا می‌گیرند و نه فرآیندهایی که در مقیاس کوچک روی می‌دهند در مقیاس‌های بزرگ غالب می‌شوند (حلی‌ساز و همکاران، ۱۳۹۲). به عنوان مثال، نمی‌توان عملکرد اکوسیستم جنگل را تعیین کرد اگر مشکل در مقیاس یک برگ مورد مطالعه قرار گیرد یا با آزمون مشکل در مقیاس جنگل، فیزیولوژی برگ را درک کرد (Harris, 2006). بنابراین، انتخاب مقیاس، به عنوان اولین گام در بیان تصویر روشنی از آنچه که می‌خواهیم به آن برسیم و همچنین ایجاد چارچوب و چتری که در زیر سایه آن با در نظر گرفتن همه اجزاء و مؤلفه‌های اثرگذار در یک واحد مدیریتی بتوان تصمیماتی اتخاذ کرد که کمترین آسیب متوجه اجزا شود، بسیار تعیین‌کننده است (Helisaz & et al., 2013) چراکه می‌تواند چگونگی تعیین

واحدهای شناختی و پی‌آیند آن واحدهای مدیریتی را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد (Helisaz, 2017). در واقع اگر مقیاس به‌وضوح تعریف نشود باعث ایجاد تأثیرات منفی در فرآیند شناخت و شکست سیاست‌های محیط‌زیستی و ناکارآمدی قوانین و مقررات زیست‌محیطی می‌شود. لذا تدوین الزامات قانونی و ایجاد ساختارهای نهادی مناسب برای اجرای آن‌ها به‌منظور دستیابی به موفقیت در مدیریت‌های کلان محیط‌زیستی مستلزم انتخاب چارچوب‌های هندسی یکپارچه و تناسب مقیاس مکانی از شناخت فرآیندها و مسائل محیط‌زیستی است. به این معنا که چارچوب ذهنی قانون‌گذاران برای بازنمود مقیاس مکانی در هنگام تدوین قوانین و مقررات محیط‌زیستی باید متناسب با نگاه معرفتی، درک و صلاحیت تخصصی نهادها و ساختارهای تشکیلاتی از مقیاس مکانی فرآیندها و مسائل محیط‌زیستی باشد.

نهاد و نهادگرایی در مدیریت محیط‌زیست

رهیافت نهادی نظریه و روشی است که اندیشمندان علوم سیاسی در چارچوب آن به تحلیل نهادهای سیاسی، تشخیص عملکردها و تأثیرات آن‌ها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر به‌منظور ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح این نهادها و طراحی بهترین نهادهای حکومتی (Hosseinizadeh, 2012) که از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار باشند، می‌پردازند (Ramezani Baseri & Mirfardi, 2014). اولین ویژگی رهیافت نهادگرایی این است که این مکتب دغدغه قانون دارد و به نقش مرکزی قانون و حقوق در حکومت توجه می‌کند. لذا توجه به نهادهای سیاسی در این رهیافت به معنای توجه به قانون است (Hosseinizadeh, 2012) و حامیان آن، قواعد و رویه‌های قانونی را متغیر اساسی مستقل و کارکرد دموکراسی را متغیر وابسته در نظر می‌گیرند (Haqiqat, 2002). تکثر مقیاسی و سوء مصرف نهادی در سیاست‌ها و تشکیلات محیط‌زیست علی‌رغم این‌که رهیافت نهادی یکی از ستون‌های اساسی رشته سیاست و از رهیافت‌های اصلی علوم سیاسی است (Poursaid, 2002) اما بین‌رشته‌ای بودن آن باعث شده‌است که امروزه علوم دیگری مانند اقتصاد، علوم اجتماعی، علوم انسانی (Keyvani Amine, 2006) حقوق و محیط‌زیست نیز در چارچوب این رهیافت به‌دنبال تصمیم‌گیری‌های بهتری باشند. در واقع، مفهوم‌پذیری رویکرد نهادگرایی به‌عنوان پیش‌شرط اصلی فرآیند تصمیم‌گیری در محیط‌های سیاست‌گذاری است و وقتی چارچوب یک نهاد طراحی می‌شود، تصمیمات آینده به واسطه گزینه‌های ارائه‌شده توسط چارچوب فوق شکل داده می‌شوند. لذا بیش از آن که فرآیند تصمیم‌گیری مهم باشد، تحلیل فرآیند مربوط به آن مهم است. چراکه تحلیل فرآیند تصمیم‌گیری حوزه مربوط به حل مسأله است (Abniki, 2007) و رویکرد نهادگرایی با تجربه و تحلیل نهادها در مقام تئوریک و ارائه گزاره‌هایی در مورد علل و نتایج نهادها، توانسته است محققان علوم مختلف را با این‌گونه مسائل درگیر کند. در حوزه محیط‌زیست، نظریه نهادی با قبول وجود شرایط اسفانگیز آن و

وضعیت روبه وخامت منابع، تلاش می‌کند راه‌حل‌ها و ابزارهای بالقوه‌ای را برای گریز از معمای اقدامات جمعی و بهره‌برداری بیش از اندازه از این منابع ارائه کند و در حال حاضر به‌وضوح می‌توان دید که آگاهی روبه فزونی پدید آمده است که نقش انکارناپذیر چارچوب‌های نهادی را در مدیریت منابع طبیعی تصدیق می‌کند (Sjöstedt, 2014). چراکه اثر اصلاحات سیاسی و خروجی‌های محیط‌زیستی را نمی‌توان به راحتی شناسایی کرد و بسیار حیاتی است که زنجیره‌های علی مرتب‌کننده سیاست‌ها و خروجی‌ها در فرآیندهای مذکور مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند (andersson et.al, 2014). رهیافت نهادگرایی می‌تواند در شناخت نقش نهادهای سیاسی، تجزیه و تحلیل‌های سیاسی، فرآیندهای سیاستگذاری و فرآیندهای کاربست سیاست‌های محیط‌زیستی بسیار ارزشمند باشد. با این حال، علی‌رغم این‌که دولت‌های مختلف، چارچوب‌های نهادی مختلفی را برای مدیریت محیط‌زیست و پاسخ به مشکلات محیط‌زیستی ترسیم می‌کنند (Onwuebele, 2011) و متخصصان محیط‌زیست نیز اقدام به تحلیل ساخت‌های نهادی کرده‌اند (Duit, 2014) که در مواردی موجب تغییر و ایجاد نهادهای جدیدی نیز می‌شود، اما باید توجه کرد که تغییر نهادی به آهستگی و تدریجی صورت می‌گیرد و گرایش به تغییر تحت تأثیر دو مجموعه وسیع از عوامل داخلی و خارجی است. از سوی دیگر، درک و نگرش متخصصان نیز نقش اصلی را در شناسایی مسائل و مشکلات ایفا می‌کند (Sewell et.al, 2003)، چراکه توسعه و تغییر یک نهاد، بیان‌کننده درک و فهم بیش‌تر و بهتر متخصصان از مسائل فنی مرتبط با حل مسئله است. لذا در هنگام تغییر ساختار نهادی، این پیش‌فرض به‌وجود می‌آید که نهاد جدید، چارچوب منسجم‌تری را تولید می‌کند که درون آن، سنت‌های مشخصی برای تدوین نهادهایی همچون قوانین و مقررات نهادینه می‌شود که فرصت‌های بهتری را برای دولت ایجاد می‌کنند که در عرصه محیط‌زیست نسبت به قبل بسیار به جلو براند. با این حال، ذکر این نکته ضروری است که نهادها برای این‌که بتوانند کارکردشان را انجام دهند، به کارکرد نهادهای دیگر نیز وابسته‌اند (Baker & Eckerberg, 2014) و از آن‌جایی که ترتیبات نهادی همواره از لایه‌های متعددی از سطوح مختلف اجتماعی ساخته می‌شوند (andersson et.al, 2014)، لذا نقش انتخاب مقیاس در هنگام تجزیه و تحلیل نهادها به‌منظور اصلاح یا تدوین نهادهای جدید بسیار مهم است که متخصصان باید در نظر بگیرند، چراکه مقیاس به علت تغییر در مکان و زمان و بسته به سیاق کلام و نگاه‌های نظم‌دهنده و مرتب‌کننده معانی مختلفی به خود می‌گیرد. به‌عبارتی ساده‌تر، بیشتر تحقیقاتی که از نهادها به‌عنوان راه حل نام برده‌اند و نهادها را به‌عنوان ابزار حل مشکلات در نظر گرفته‌اند، قابلیت نهادها را تنها در توانمندسازی، هدایت و انگیزه‌بخشی به رفتارهای فردی دیده‌اند و امیدوار بوده‌اند که با تغییر رفتار بخشی از مردم، نهادهایی با کیفیت تولید شوند که بتوانند پایداری بلند مدتی را در بهره‌برداری از منابع طبیعی تثبیت کنند اما باید توجه کرد نهادها،

۱ - شامل موارد درونی در سیستم است. مانند اهداف، نقش بازیگران مختلف و برداشت آن‌ها از مشکلات و راه‌حل‌ها.

۲ - مانند وضعیت اقتصادی - اجتماعی، خطراتی مانند آتش‌سوزی، زمین‌لرزه، جنگ و غیره.

انعکاس‌دهنده طرف‌های درگیر مسأله هستند (Sjöstedt, 2014) و هر نهادی به جنبه‌های خاص یا جزئی از مسائل توجه می‌کند که مقیاس خاص خود را دارند و اگر در خلال تنظیمات ابزارهای نهادی (مثل قانون‌گذاری محیط‌زیستی) به‌منظور درکنار هم قراردادن و تجمع فرآیند سیاست‌گذاری به مقیاس طرف‌های درگیر در مسأله توجه نشود، مشکلاتی رخ می‌دهد که اثربخشی نهادها را کاهش می‌دهد. به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی، روند تاریخی رو به رشد نهاد قانون در عرصه محیط‌زیست بیان‌کننده این موضوع است که حکومت، حکمرانی سلسله‌مراتبی خود را از طریق قانون‌گذاری به منصفه ظهور می‌رساند و قانون‌گذاری به‌عنوان اصلی‌ترین سازوکار و ابزار اعمال قدرت و راهبری حکومت در عرصه محیط‌زیست به حساب می‌آید و همچنین، حمایت‌های دولت از محیط‌زیست نیز در قالب اجرای نهاد قانون تجلی می‌یابد. لذا نقش کلیدی تعاملات نهادی در گسترش سیاست‌های محیط‌زیستی را می‌توان از طریق نهاد قانون مشاهده کرد و با تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات محیط‌زیستی می‌توان به طریقه تصمیم‌گیری‌های سیاسی، الگوها و مسیر طی شده در عرصه محیط‌زیست، ایده‌های موجود در فرآیند قانون‌گذاری دست یافت. از سوی دیگر، عوامل و متغیرهای موجود در مسأله نیز مشخص می‌شود. به‌عبارتی، با توجه به این‌که عرصه سیاست‌گذاری محیط‌زیستی به دلیل پُررنگ بودن وجوه مکانی در آن با چالش‌های متعدد مربوط به مقیاس‌های مکانی و سطوح چندگانه نظارت مواجه است. لذا چگونگی تعامل نهاد‌های حقوقی و قانونی با یکدیگر، با توجه به نقش مهم متغیر مقیاس مکانی در برنامه‌ریزی و مدیریت طبیعت و عدم‌اجماع معرفتی در انتخاب مقیاس مکانی برای تعامل بین نهادها مسأله‌ای بسیار مهم است که با تجزیه و تحلیل قوانین قابل درک است اما باید توجه کرد که این امر از طریق اتخاذ یک چارچوب و پذیرش یک نظریه امکان‌پذیر است و از آنجایی که رهیافت نهادگرایی به‌عنوان یک نظریه و روش، توجه خود را به نقش نهادها معطوف می‌نماید و به تجزیه و تحلیل نقش ایده‌ها و متغیرها در فرآیند تصمیم‌گیری می‌پردازد، لذا از این رهیافت می‌توان به‌منظور بحث در مورد مقیاس مکانی در قوانین و مقررات محیط‌زیستی بهره جست.

مواد و روش‌ها

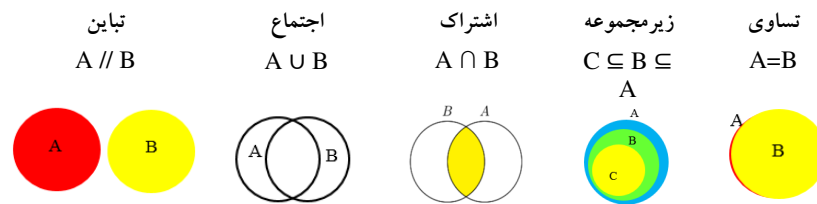
مقیاس، اصطلاحی است که معانی پیچیده و گاه متناقض دارد (Dungan & et.al, 2002) و در بین همه کلماتی که تا حدی معنای علمی تخصصی دارند، یکی از مبهم‌ترین و از لحاظ بار معنایی، سنگین‌ترین آن‌ها است (Goodchild & Quattrochi, 1997)، لذا بررسی جایگاه مقیاس و مشخص کردن واژه‌های دارای بُعد مکانی، مستلزم آگاهی و تفسیر اهداف قانون‌گذاری و درک و شناخت آنان از مقیاس است. از آنجایی که این پژوهش به دنبال تولید داده و تحلیل آماری نیست، تحلیل محتوای کیفی با کمک نرم‌افزار MaxQda مبنای تحلیل متون قرار گرفت. این روش قادر است با تفسیر محتوای پنهانی متن و داده‌ها به کشف معانی بنیادین در پیام کمک کند (Tabrizi, 2014). به‌عبارتی، تحلیل محتوا نوعی تکنیک پژوهشی است که به محقق این اجازه

را می‌دهد که با دیدن معانی، خصوصیات نمادها و محتوای پرمعنی آن‌ها به تجزیه و تحلیل داده‌هایی که به‌طور نسبی ساختار ندارند، پردازد (Krippendorff, 2004) و از طریق فرآیند طبقه‌بندی منظم مضامین یا الگوهای کدگذاری شده، مفاهیم مورد نیاز پژوهش را از متن مورد مطالعه استخراج کند و به تفسیر ذهنی محتوای آن‌ها پردازد (Tabrizi, 2014). به‌منظور انجام این پژوهش، نخست: تمامی واژه‌هایی که بعد مکانی داشتند یا دارای مفهوم مکانی بودند از اسناد قانونی و سیاستی در مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی کشور شامل اسناد کلی و بالادستی (اصل چهل و پنجم و پنجاهم قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست ساله (توسعه ایران ۱۴۴۰)، سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز (ایران ۱۴۴۰)، سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۳، سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری در مورد محیط‌زیست (۱۳۹۴/۸/۲۶)، قوانین عادی، مصوبات هیأت وزیران و سایر قوانین و مقررات محیط‌زیستی استخراج شدند (جدول ۱) و واحد مقیاسی پایه هر مفهوم مکانی مشخص گردید (شکل ۱). در مرحله، بعد به‌منظور تفسیر مقیاس‌های مکانی موجود در قوانین و مقررات زیست‌محیطی و حصول نتایج، از منطق نسبت‌ها و محمول‌ها که در ریاضیات و اصول حاکم بر مجموعه‌ها و خواص آن‌ها صورتی‌سازی شده‌است (Rajabi Tarkhorani, 2005) (جدول ۲) برای تعیین درک قانون‌گذار از مقیاس استفاده شد. لازم به ذکر است که بعد از مشخص شدن واحدهای مقیاسی پایه برای بیان درک قانون‌گذار از مقیاس مکانی، نگارندگان بر قانون توزیع عادلانه‌ی آب [به دلیل ۱. اهمیت منابع آبی در کشور (محمودولی سامانی، ۱۳۸۴) ۲. یکی از مهم‌ترین قوانین است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در خصوص منابع و مصارف آب تصویب گردیده‌است ۳. علی‌رغم سیر سریع تحولات اجتماعی، اقلیمی و اقتصادی کشور، از سال ۱۳۶۱ تاکنون این قانون اصلاح یا تکمیل نشده‌است و ۴. نقدهای زیادی بر وجود نقص در آن وجود دارد (Davari & et al., 2018)] و قانون حفاظت از خاک [به دلیل: ۱. اهمیت خاک به‌عنوان محور اصلی تأمین امنیت غذایی و مؤلفه‌ی مهم زیستی (FAO, 2019) و ۲. جدیدترین سیاستگذاری در عرصه مدیریت محیط‌زیست و منابع طبیعی است] تمرکز بیشتری داشتند، لذا در بخش نتایج، واحدهای مقیاسی و واژه‌های دارای بعد مکانی موجود در این دو قانون با تمرکز بیشتری تحلیل شده‌است. لازم به یادآوری است که در تحلیل کلی تمامی ۳۶۴ سند قانونی و سیاستی، مورد به مورد بررسی و تحلیل شده‌اند و دو سند فوق‌الذکر برای انتقال بهتر و بیان عمقی نتایج انتخاب شده‌اند.

جدول ۱ - فراوانی اسناد قانونی و سیاستی در مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی^۱

عنوان سند	تعداد اسناد سیاستی
اسناد کلی و بالادستی	۶
قوانین عادی	۷۶
مصوبات هیأت وزیران	۱۴۴
مصوبات شورای عالی حفاظت محیط‌زیست	۳۳
سایر شورای‌های عالی	۹
مصوبات سازمان حفاظت محیط‌زیست	۱۱
آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری	۲۰
معاهدات بین‌المللی جهانی	۳۷
معاهدات منطقه‌ای	۶
معاهدات بین‌المللی دوجانبه	۷
مصوبات هیأت وزیران در مورد اجرای معاهدات بین‌المللی	۱۰
اسناد حقوقی غیرمعاهده‌ای	۵
مجموع	۳۶۴

جدول ۲ - نسبت‌های موجود بین واحدهای شناختی و مدیریتی محیط‌زیستی از منظر منطق صوری

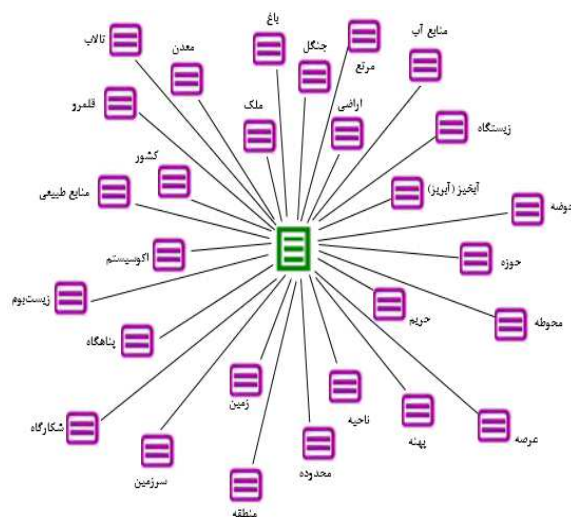


نتایج

علی‌رغم تعدد واژه‌های دارای بُعد مکانی در قوانین و مقررات زیست‌محیطی که از نظر قانون‌گذار به عنوان مقیاس مکانی تعریف می‌شوند اما همه واژه‌های دارای بُعد مکانی، ذیل ۲۸ واحد مکانی پایه قرار می‌گیرند (شکل ۱)؛ به عبارتی هیچ واحد مکانی در مجموعه قوانین و مقررات محیط‌زیستی کشور وجود ندارد که ذیل یکی از این واحدهای مکانی قرار نگیرد و

۱ - این طبقه‌بندی از قوانین و مقررات محیط‌زیستی مبنی بر طبقه‌بندی رسمی دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست است. البته که می‌توان با رویکردهای دیگری اقدام به طبقه‌بندی قوانین و مقررات زیست‌محیطی کرد. اما این بررسی تحت تأثیر طبقه‌بندی قوانین و مقررات ارائه‌شده قرار ندارد و نتایج فارغ از نوع طبقه‌بندی ارائه شده است و تنها من باب اطمینان از درج تمامی قوانین و مقررات زیست‌محیطی از این طبقه‌بندی استفاده شده است.

قانون‌گذار و سیاستگذار با تمرکز بر هدف و کاربرد مورد نظرش، با انتساب صفت‌ها و مضاف‌هایی به یکی از این ۲۸ واحد مکانی، اقدام به تولید مفاهیم مکانی نکند. استفاده از این صفت‌ها و مضاف‌ها توسط قانون‌گذار یا سیاستگذار منجر به تولید واژه‌های جدیدی می‌شوند که گاه در متون علمی و تخصصی یافت نمی‌شوند و یا بسیار مهجور هستند (مانند: اراضی جنگلی جلگه‌ای حفاظت‌شده، حریم و پهنه نواحی ساحلی آب‌های داخلی و اراضی جنگلی جلگه‌ای حوزه آستارا تا گیلداغی). باید توجه داشت که گاه در مواردی که تاریخ تدوین قوانین قدیمی‌تر هستند، واژه‌ها تحت گفتمان زبانی آن دوره قرار دارند که بعضاً نامفهوم هستند (مانند: املاک موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه برای مصارف عام‌المنفعه). ترکیب این صفت‌ها و مضاف‌ها با ۲۸ واحد مکانی پایه فوق‌الذکر، ۸۵۰ واحد مکانی مجزاً را در متن مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی به‌وجود می‌آورد. نمونه‌ای از نسبت هر کدام از این واحدهای مکانی با یکدیگر (در یک متن واحد یا نسبت به متون دیگر) مورد بررسی قرار گرفته‌است و در جدول ۳ نشان داده شده‌است.



شکل ۱ - واژه‌های دارای بُعد مکانی مندرج در قوانین و مقررات زیست‌محیطی (واحدهای مقیاسی پایه).

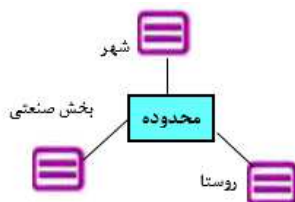
جدول ۳ - نمونه‌هایی از واحدهای مکانی و نسبت‌های مکانی آن‌ها در مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی

نسبت	واحد مکانی	گفتمان حاکم
نسبتی	زمین موات (زمین رهاشده)، باغ (زراعت آبی‌شده)، اراضی کشاورزی (باغ، نهالستان، اراضی زیرکشت)	کاربری اراضی
	حوضه (آبریز)، تالاب (مرداب، باتلاق، آب‌بندان طبیعی)، جنگل (اراضی جنگلی)، باغ (باغچه، زمین مشجر)، شمال (حوزه آستارا تا حوزه گیلداغی)	اکولوژیکی

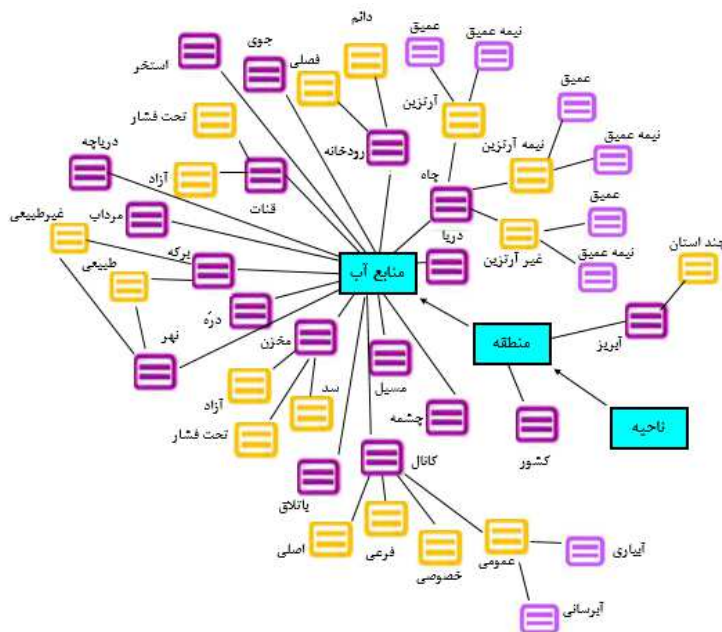
اکولوژیکی، حقوقی و قانونی	اکوسیستم‌های حساس (پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، منطقه حفاظت‌شده)	
سیاسی، اکولوژیکی	حوضه (آبریز، آبخیز)، آبریز (آبریز)، آبریز (آبخیز)	
حقوقی و قانونی، اقتصادی	معادن (منابع ملی شده)	
سیاسی، اقتصادی	منطقه انحصاری اقتصادی (ماورای دریای سرزمینی)	
حقوقی و قانونی	املاک (اعیان، اراضی، منطقه، عرصه، اراضی ملی (منابع طبیعی))	
سیاسی	دریای سرزمینی (دریای ساحلی)	
سیاسی، اقتصادی	عرصه‌ی ملی (اراضی ملی، اراضی قابل تولید اقتصادی و بهره‌برداری)	
حقوقی و قانونی، اکولوژیکی	منطقه حفاظت‌شده (منابع طبیعی [جنگل، مرتع، بیشه‌ی طبیعی، اراضی جنگلی، دشت، آب، کوهستان])	زیرمجموعه‌ها
اکولوژیکی، سیاسی	آبخیز (حوزه، آبریز، چند استان)، منابع طبیعی در حوزه استحقاقی	
حقوقی و قانونی، اکولوژیکی	حوزه آبخیز جنگلی (حوزه، آبخیز، جنگل)، جنگل‌های واقع در حریم غاز	
اکولوژیکی	اراضی پست واقع در مناطق غیرساحلی، اراضی جنگلی واقع در مناطق نیمه‌مرطوب	
اکولوژیکی، کاربری اراضی	اراضی زراعتی واقع در مناطق جنگلی	
سیاسی	محدوده‌های واقع در داخل شهر	
اکولوژیکی	اراضی جنگلی جلگه‌ای، مراتع غیرمشجر شمال، محدوده‌ی واجد غار آبی	
حقوقی و قانونی، اکولوژیکی	مراتع غیرمشجر ملی شده، اراضی جنگلی دولتی	آب‌و‌هوا
اکولوژیکی، سیاسی	مراتع غیرمشجر شمال، حوزه آبخیز رودخانه‌های مرزی، مراتع مناطق مرزی	
کاربری اراضی	اراضی زراعتی مناطق جنگلی	
حقوقی و قانونی، سیاسی	زمین‌های منابع ملی تصرف‌شده، منطقه‌ی خارج از صلاحیت ملی	
سیاسی	زیرحوزه‌های شهری	
اکولوژیکی	پارک ملی: (محدوده، منابع طبیعی) نواحی با جنگل تخریب یافته و ازبین‌رفته، مرداب (باتلاق، زمین مسطح و پست، اراضی پست، منطقه غیرساحلی)	رشته‌کوه
اکولوژیکی، حقوقی قانونی	پناهگاه (محدوده، منابع طبیعی، زیستگاه، تحت حفاظت)، منطقه‌ی حفاظت‌شده (محدوده، منابع طبیعی)	
کاربری اراضی	اراضی کشاورزی و مرتعی	
اکولوژیکی، سیاسی	منابع طبیعی در حوزه استحقاقی	
اقتصادی، اکولوژیکی	معادن واقع در محدوده‌ی عرصه‌های جنگلی، مناطق دارای جاذبه‌های طبیعی	
کاربری اراضی، اکولوژیکی	زمین آیش زراعت با پوشش نباتات خودرو	
اکولوژیکی	بیابان، صحرا، کویر، نمکزار	آب و خاک
حقوقی و قانونی، اکولوژیکی	حوزه استحقاقی شهر، حوزه استحقاقی روستا، حوزه استان، حوزه آبخیز	

حقوقی و قانونی	حریم شهر، حریم شهرک، حریم روستا
کاربری اراضی	اراضی بایر، اراضی زراعی، اراضی جنگلی، اراضی غیرکشاورزی
سیاسی	کشور صنعتی، کشور درحال رشد، کشور پیشرفته
اکولوژیکی، حقوقی و قانونی	نواحی جنگلی، نواحی کویری، نواحی نیمه خشک، نواحی خشک، نواحی دریایی، نواحی ساحلی، نواحی مرطوب، نواحی نیمه مرطوب، نواحی شهری

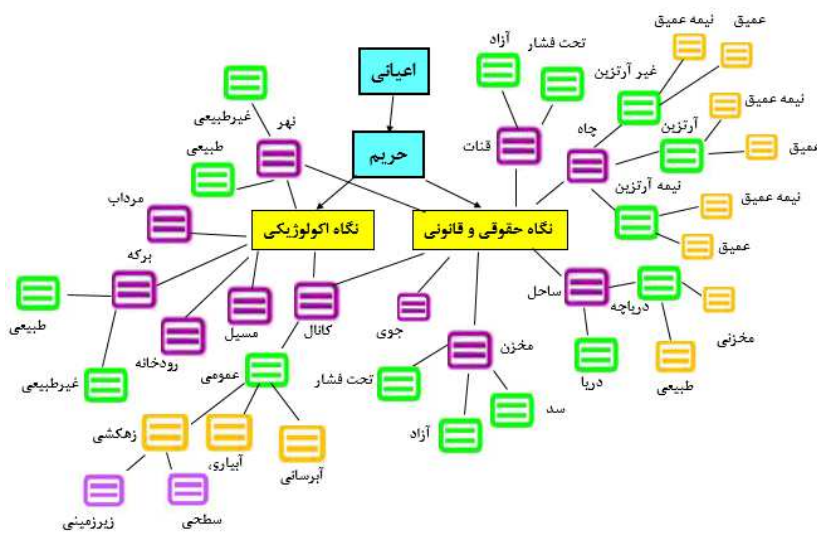
بررسی قانون توزیع عادلانه آب نشان می‌دهد که از بین ۲۸ واحد مقیاسی پایه موجود در قوانین و مقررات زیست‌محیطی (شکل ۱)، ۸ واحد مکانی «ناحیه»، «منطقه»، «منابع آب»، «اعیانی»، «حریم»، «اراضی» و «محدوده» به عنوان واحدهای مقیاسی پایه در این قانون آورده شده است. هر کدام از این ۸ واحد با صفت‌ها و مضاف‌هایی به لحاظ مفهومی و مقیاسی متکثر شده‌اند که منجر به تولید واحدهای مکانی ثانویه در این قانون شده است. نکته اینجاست که قانون‌گذار و سیاستگذار با انتساب صفت‌ها و مضاف‌هایی به این ۸ واحد مکانی پایه، اقدام به تولید مفاهیم مکانی جدید نمی‌کند، بلکه در مواردی، واحدهای مکانی پایه را نیز صفت و مضافی از واحدهای مکانی پایه دیگر قرار می‌دهد. مثلاً در ابتدا «ناحیه» را یک «منطقه» که خود جزئی از «منابع آب» است می‌داند و سپس «منطقه» را یک «آبریز»، «کشور» و «منابع آب» تعریف می‌کند؛ سپس سایر واحدهای مکانی را صفت‌ها و مضاف‌هایی از آن‌ها به‌شمار می‌آورد. همچنین واحد مکانی «اعیانی» را یک «بستر» یا «حریم» می‌داند، درحالی‌که خود واحد مکانی «بستر» در آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زه‌کشی، به‌عنوان یک «محدوده» از «منابع آبی» تلقی می‌شود. به عبارتی «بستر» که صفت و مضافی از واحدهای مکانی پایه «محدوده» و «منابع آب» است با «حریم» که خود یک واحد مکانی پایه است، برای تعریف واحد مکانی «اعیانی» استفاده می‌شوند (شکل‌های ۲ تا ۵).



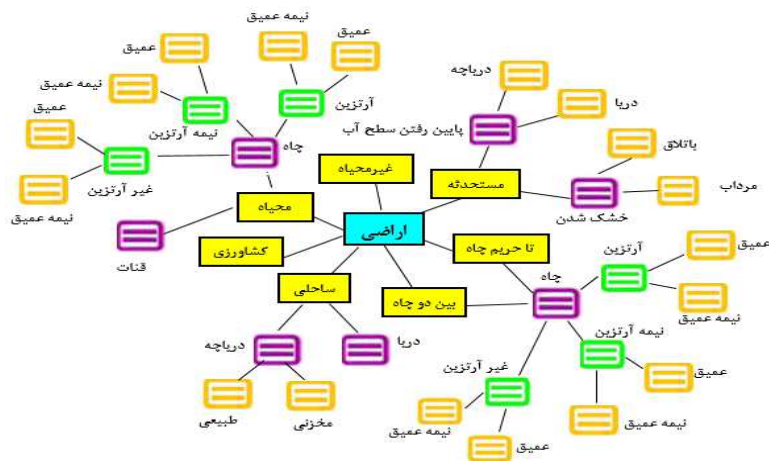
شکل ۲ - صفت‌ها و مضاف‌های واحد مکانی پایه «محدوده» در قانون توزیع عادلانه آب.



شکل ۳ - صفت‌ها و مضاف‌های واحدهای مکانی پایه «ناحیه»، «منطقه» و «منابع آب» در قانون توزیع عادلانه آب.

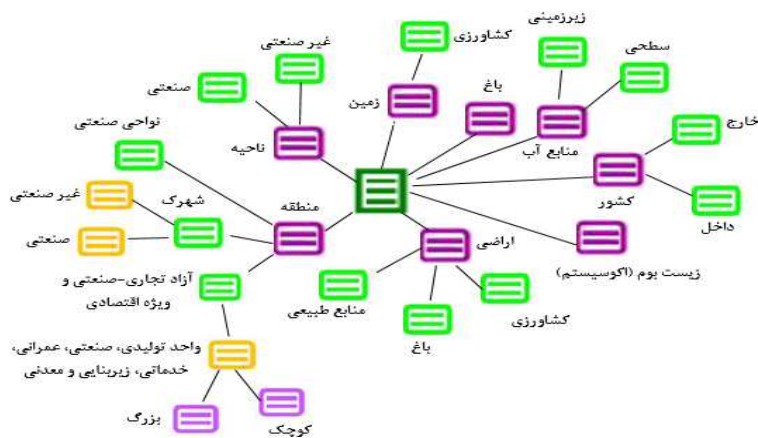


شکل ۴ - صفت‌ها و مضاف‌های واحدهای مکانی پایه «اعیانی» و «حریم» در قانون توزیع عادلانه آب.



شکل ۵ - صفات و مضاف‌های واحد مکانی پایه «اراضی» در قانون توزیع عادلانه آب.

از بین ۲۸ واحد مقیاسی پایه موجود در قوانین و مقررات زیست محیطی، در قانون حفاظت از خاک بر ۸ واحد مکانی «ناحیه»، «زمین»، «باغ»، «منابع آب»، «کشور»، «اراضی»، «اکوسیستم» و «منطقه» به‌عنوان واحدهای مقیاسی پایه تمرکز شده‌است. قانون‌گذار، واحد مکانی «منابع طبیعی» را به‌عنوان صفت و مضافی از واحد «اراضی» می‌داند نه یک واحد مقیاسی مکانی پایه. همچنین واحد «باغ» را هم به‌عنوان یک واحد مکانی پایه و هم به‌عنوان صفت و مضافی از واحد «اراضی» معرفی می‌کند. از سوی دیگر نسبت بین واحد مکانی «اکوسیستم» و «زیست‌بوم» را تساوی می‌داند و از نظر او این دو واحد بر یک مکان واحد اشاره دارند (شکل ۶).



شکل ۶ - صفات و مضاف‌های واحدهای مکانی مندرج در قانون حفاظت از خاک.

بحث

استفاده از نسبت‌های تساوی، زیرمجموعه‌گی، اشتراک، اجتماع و تباین برای تعریف و انتخاب مقیاس مکانی مناسب در هنگام تدوین قانون و مقررات زیست‌محیطی به معنای آگاهی و درک کامل قانون‌گذاران از مقیاس و تأثیر تغییر مقیاس بر تصمیم‌گیری نیست. به عبارتی قانون‌گذار با کاربرد این پنج نسبت و متناسب با هدف و کاربرد مورد نظرش (اقتصادی، سیاسی، حقوقی و قانونی، اکولوژیکی، شناخت و کاربری ارضی) به دنبال کاربرد آن مقیاس مکانی است که در گفتمان ذهنی خودش مسلط است و لزوماً اجماعی حتی بین سایر متخصصان آن حوزه وجود ندارد، چه رسد به گفتمان مشترک مقیاسی با سایر متخصصان در حوزه‌های دیگر. از طرفی درک درستی از این‌که الگوها و فرآیندهای موجود در سطح مقیاسی هر واحد مکانی، دقیقاً همان فرآیندهایی است که قانون‌گذار و سیاستگذار در تعریف واحد مکانی بر آن نظر داشته‌است وجود ندارد. به عبارتی، قانون‌گذار درک درستی از این‌که چگونه با تغییر مقیاس، درک این الگوها تغییر می‌کند و هنگام حرکت از یک مقیاس به مقیاس دیگر چه اطلاعاتی حفظ و چه اطلاعاتی حذف می‌شوند، ندارد. این عدم‌درک را می‌توان از اغتشاش‌های حاکم بر تعریف مقیاس‌های مکانی در اسناد قانونی و سیاستی مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، واحد مکانی «اکوسیستم» که از نظر قانون‌گذار در قانون حفاظت از خاک همان «زیست‌بوم» است، درحالی‌که در سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری در مورد محیط‌زیست و سند ملی محیط‌زیست جمهوری اسلامی ایران، «اکوسیستم» و «زیست‌بوم» دو واحد مکانی مجزا به‌شمار می‌آیند. همچنین واحد مکانی «مرتع» که در مصوبه هیأت وزیران راجع به ضوابط و معیارهای استقرار صنایع به یک «محدوده» و «منطقه» حفاظت‌شده اطلاق می‌شود، درحالی‌که در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، واحد مکانی «مرتع» یک «مرتع» تعریف می‌شود که قانون‌گذار با داشتن یک نگاه اکولوژیکی آن را به دو دسته «مشجر» و «غیرمشجر» تقسیم می‌کند و در آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، «مرتع غیرمشجر» را یک «دامنه»، «زمین» و «کوه» می‌داند. واحد مکانی «آبریز» در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، سند ملی محیط‌زیست جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی، یک «حوضه»، در قانون توزیع عادلانه آب، یک «منطقه» که ممکن است شامل چند «استان» نیز باشد، در مصوبات هیأت وزیران راجع به برنامه جامع صیانت از جنگل‌های شمال کشور (حفظ، نگهداری و توسعه جنگل‌های شمال)، یک «حوزه» و «آبخیز» و در آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی، یک «حوزه»، «آبخیز» و «پهنه» تعریف می‌شود. از طرفی «آبخیز» در قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی به یک «حوزه»، در آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی معادل «حوزه» و «آبریز» و یک «پهنه»، در آیین‌نامه آمادگی و مقابله با آثار زیان‌بار پدیده گرد و غبار (ریزگرد)

در کشور، «حوضه» و در مصوبات هیأت وزیران راجع به برنامه جامع صیانت از جنگل‌های شمال کشور (حفظ، نگه‌داری و توسعه جنگل‌های شمال) یک «حوزه» و «آبریز» اطلاق می‌شود. این تکثرهای مقیاسی و تعریف‌های متعدد معنا و مفهوم واحدهای مکانی در اسناد قانونی و سیاستی مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی به معنای درک ناقص قانون‌گذار از مفهوم مقیاس مکانی و تأثیر تغییر مقیاسی است؛ مثلاً چنان‌چه فرض شود قانون‌گذار نسبت بین «آبریز»، «آبخیز» و «حوضه» را تساوی می‌داند (جدول ۳) و برای او «آبریز» یک «آبخیز» است و «آبخیز» یک «آبریز» است و «حوضه» نیز همان «آبریز» یا «آبخیز» است و کاملاً آگاهانه و عمدتاً از واژه‌های متفاوتی برای اشاره به یک واحد مکانی استفاده کرده‌است و حتی در مواردی نیز با علم و اطلاع، واحدهای مکانی «آبریز» و «آبخیز» را صفت و مضافی از واحد «حوزه» که نسبت تساوی با واحد مکانی «حریم» [حوزه استحفاظی = حریم] دارد، قرار داده‌است؛ اما این‌که چرا قانون‌گذار در هنگام اشاره به «آبریز» از سه واحد مکانی «منطقه»، «پهنه» و «محدوده» استفاده می‌کند و با حذف کردن دو واحد مکانی «منطقه» و «محدوده»، «آبخیز» را تنها یک «پهنه» معرفی می‌کند، دارای ابهام است. یا واحد مکانی «جنگل» به‌عنوان یک «اراضی» با واحدهای مکانی «زمین»، «اکوسیستم»، «ناحیه»، «منطقه» و «عرصه» که «جنگل» هم هستند، از نظر قانون‌گذار چه تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی دارند، در هیچ کدام از اسناد قانونی و سیاستی مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی بیان نشده‌است. این بدین معناست که قانون‌گذار بدون توجه به معنا و مفهوم مقیاس و چارچوب انتخاب مقیاس مکانی اقدام به قانون‌گذاری کرده‌است. او واحدهای مکانی‌ای را تعریف و انتخاب می‌کند که تصور می‌کند برای نیل به اهداف نهایی‌اش مناسب است بدون آن‌که چارچوب روش‌شناسی مشخصی برای انتخاب‌اش داشته‌باشد. به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی، آنگاه که قانون‌گذار یک مسأله را در دستور کار قرار می‌دهد و کارشناسان با هدف مواجهه با مسأله شروع به طراحی یک سیاست و قانون می‌کنند و نتایج مورد نظر را تعیین و براساس تحلیل گزینه‌های مختلف، قانون‌هایی تدوین می‌شود، اطلاعاتی درباره مقیاس مکانی، صریحاً یا ضمناً در بطن قوانین درج می‌شود. در جریان فرآیند اجرا توسط نهادهای مجری، بسترهای متفاوت اجتماعی، عمومی، اقتصادی، فنی و سیاسی با مقیاس مکانی مورد نظر قانون‌گذار یکی از علل عدم نیل به مقاصد مندرج در قانون است. چالش بعدی زمانی است که در روند ارزیابی اختلاف بین انتظارات مورد نظر از تدوین قانون با اجرای آن، توجهی به مسأله مقیاس مکانی نمی‌شود. به‌عبارتی قانون‌گذار مسأله را به گونه‌ای دیگر بررسی می‌کند و به‌دنبال مبنای جدیدی برای تجدید ساختار مسأله برای قانون‌گذاری است و این تصور در ذهن قانون‌گذار پدید نمی‌آید که ممکن است درک مقیاسی او از پدیده تحت مطالعه‌اش در هنگام تدوین قانون با درک مقیاسی نهاد یا نهادهای اجرایی آن هم‌راستا نبوده و باعث دور شدن از واقعیت‌های شناخته‌شده شده‌است. مهم‌ترین پیامد متفاوت بودن این فضای مقیاسی و نبود روش مشخصی برای انتقال عینی و رسمی درک مقیاسی قانون‌گذار به مجری یا مجری‌ها، تشتت در حوزه قانون‌گذاری به‌منظور انتخاب

راه‌حل‌های سیاستی مناسب و افزایش ساختارهای تقنینی و اجرایی در حوزه محیط‌زیست است. به عبارتی تضادهای معرفت‌شناسی قانون‌گذاران از شناخت فرآیندها با دستگاه‌های اجرایی که در قالب انتخاب مقیاس مکانی و ایجاد صفت و مضاف‌هایی از آن‌ها خود را نشان می‌دهد باعث تعدد نهادهای سیاست‌گذار و مجری خواهد شد و یک سوء مصرف نهادی^۱ را ایجاد می‌کند (Ashtarian, 2019) که یکی از پیامدهای منفی آن افزایش تغییر و تشّت در رهیافت‌های اصلاحی سیستم‌های اداری برای حصول اطمینان از رهیافتی با دوام در برنامه‌ریزی و مدیریت است. نظیر تشّتی که امروزه در تداخل دو نهاد مرتبط با مدیریت محیط‌زیست و منابع طبیعی ایجاد شده است که برخی از سیاستگذاران حفاظت از محیط‌زیست را ترغیب به ادغام دو سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و تشکیل یک وزارتخانه‌ای جدید می‌کند. در حالی که برخی دیگر اعتقاد دارند که با ادغام این دو سازمان و تشکیل وزارت محیط‌زیست و منابع طبیعی، محیط‌زیست کشور سرنوشت ناگواری پیدا خواهد کرد (Ebtekar, 2017). بنابراین در هنگام تدوین قانون، توجه به مقیاس مکانی قابل درک بستر نهادی اجرایی آن قانون، ضروری است. چراکه شناخت جایگاه مقیاس و متعاقب آن اثرات مقیاسی در مطالعات منابع طبیعی و محیط‌زیست لازمه تصمیم‌گیری به‌جا و مدیریت عرصه‌ها است. چه بسا هزینه‌ها و تلاش‌هایی که صرف حل مسائل شده است که در آن مقیاس، اساساً قابل مطالعه و پایش نبوده است. لذا همان‌طور که قانون‌گذاران و سیاستگذاران از مشکلات مربوط به مقیاس زمانی آگاهی دارند و محققانی مانند مرادی (2019) با تمرکز بر مفهوم مقیاس زمانی، بیان می‌کند که برخی از قوانین حوزه محیط‌زیست کشور قدیمی و مربوط به پنج دهه قبل هستند و نیاز به بازنگری دارند، چراکه متناسب با شرایط کنونی نیستند (a joint meeting between the head of the judicial system & environmental activists, 2019)، پرداختن به وجوه نظری مقیاس مکانی و تغییرات آن نیز امری بسیار ضروری در نظام حقوقی کشور است که باید در هنگام تدوین قوانین و مقررات در نظر گرفته شود. در واقع، علی‌رغم این که تأکید بر نهاد قانون برای حل مسائل در هر کشور، می‌تواند راه‌گشا باشد اما باید توجه کرد که وجود نظام‌های تصمیم‌گیری بسیار متکثر و نهادها و سازمان‌های متعدد در کشور خود باعث نادیده‌انگاشتن بعضی از تعارض‌ها و اجرای سیاستگذاری ناکارآمد در عرصه محیط‌زیستی می‌شود و عدم حل مسأله‌ی مقیاس مکانی نیز نتیجه‌گیری‌های گمراه‌کننده‌تر و سیاستگذاری ناکارآمدتری را منجر می‌شود که نتیجتاً ممکن است باعث تغییر مجدد قوانین شود، در حالی که تمایز بین مقیاس مکانی انتخابی در قانون با مقیاس سیاست‌ها یا ساختار آژانس‌ها نادیده گرفته شده است. به عبارتی، مشکل آن‌جاست که برداشت دقیقی از مقیاس مکانی در قوانین و مقررات محیط‌زیستی وجود ندارد و این امر باعث می‌شود که مقیاس قابلیت بسیاری در تفسیر داشته باشد که این تفسیر خود بستگی به دیدگاه نهادها و سازمان‌ها از مقوله مقیاس دارد که هر یک بر اساس نیازها و شرایط خود برداشتی از

قانون و مقیاس اجرایی آن را مبنا قرار می‌دهند که نتیجه آن گسترده کردن بیش از حد نهاد می‌شود که ایجاد تنازع، رقابت‌های داخلی و بین نهادی و تقابل‌های مسأله‌ساز در نظام پیچیده دیوان‌سالاری و مخدوش شدن مطالعه نهادی و مرزهای آن به‌ویژه در حوزه سیاسی را به دنبال دارد.

توصیه‌های سیاستی

در سال‌های اخیر نظام حقوقی کشور به سمت افزایش مشارکت و همکاری میان‌سازمانی در حفاظت از محیط‌زیست گرایش یافته‌است و طبق اصل صلاحیت، هر یک از نهادها و سازمان‌های عمومی باید در چارچوب صلاحیت تخصصی خود عمل کنند (Faryadi, 2018)، بنابراین در هنگام تدوین قانون، نخست باید فضایی از عناصر مقیاسی که در ذهن قانون‌گذار و نهاد اجرایی از محیط‌زیست، طبیعت و پدیده مورد بررسی وجود دارد، در نظر گرفته شود. به عبارتی، پیش از پرداختن به هرگونه تغییر تشکیلاتی یا یکپارچه‌گی قوانین و سیاست‌های محیط‌زیستی به یکپارچگی و تناسب مقیاس مکانی در شناخت فرآیندهای محیط‌زیستی در اسناد قانونی و سیاستی مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی با نهادها و تشکیلات مرتبط با آن پرداخته شود؛ چراکه بسیاری از اقدامات انجام‌شده که به نتیجه نمی‌رسند به این دلیل است که اساساً مقیاس مکانی روشنی فراروی سیاستگذار و نهاد اجرایی قرار نگرفته‌است و مسأله تکثر و تداخل مقیاسی و عدم توجه به آن، باعث تولید مسائل غیردقیق و دارای ابهام و نهایتاً بروز انواع سوء مصرف‌های نهادی می‌شود. به عبارت روشن‌تر نقطه عزیمت سوء مصرف نهادی در بخش محیط‌زیست را می‌توان سوء مصرف واژه‌ای در دانش فنی محیط‌زیست، تشبث مقیاسی و نهایتاً تشبث و سوء مصرف نهادی دانست. گریز از این چالش در تعیین واحدهای شناختی قابل درک قانون‌گذار و نهاد اجرایی است. به عبارتی در ابتدا «یکا» یا «کوچکترین جزء» مقیاس‌های مکانی انتخابی قانون‌گذار و نهاد اجرایی مشخص گردد. لازم به توضیح است که انتخاب این یکا نباید مبتنی بر تقسیم‌بندی محیط‌آدر محیط‌زیست یا طبیعت باشد. بلکه مطابق با یک نگاه کل‌گرایانه باید یک و فقط یک یکا و جزء مقیاسی، مبنای قانون بالادستی در بخش محیط‌زیست تعیین شود و انشعابات قانون و تفسیرهای متفاوت در محیط‌های مختلف منشعب و برآمده از این یکای اصلی باشند. این موضوع در اکولوژی به‌عنوان علم پایه‌ای محیط‌زیست قابل حصول است.

References:

1 -Abdullahi, Mohsen & Faryadi, Masoud (2010), Legal challenges of Iran Environmental Protection Organization, Quarterly of Environmental Sciences, Year 7, Number 4, pp. 143-180 [in Persian].

-
- 1 - Unit
 - 2 -Medium
 - 3 -holistic

- 2 -Abdullahi, Mohsen & Rizvanifar, Mohammad Mahdi (2012), Iran's legal system & the problem of environmental policy-making, *Strategy Quarterly*, year 21, number 64, pp. 221-248 [in Persian].
- 3 -Abniki, Hassan, (2007), Institutional Approach to Political Decision-Making Process, *Domestic Policy*, Year 1, Second 2, pp. 9-33 [in Persian].
- 4 -andersson, Krister; Evans, Tom; Gibson, Clark C & Wright, Glenn, 2014, Decentralization & Deforestation: Comparing Local Forest Governance Regimes in Latin America, In *State & Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, andreas Duit Ed: The MIT Press, pp. 239- 263.
- 5 -Ashtarian, Kyomarth, (2019), a call for political science in Iran, *Shargh newspaper*, number 3596, pp. 1- 2 [in Persian].
- 6 -Baker, Susan & Eckerberg, Katarina, 2014, The Role of the State in the Governance of Sustainable Development: Subnational Practices in European States, In *State & Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, andreas Duit Ed: The MIT Press, pp. 179-202.
- 7 -Collection of environmental laws & regulations (international conventions & treaties), second volume, legal & parliamentary affairs administration of the Environmental Protection Organization. Available online at: <https://doe.ir> [in Persian].
- 8 -Collection of environmental laws & regulations, first volume, legal & parliamentary affairs administration of the Environmental Protection Organization. Available online at: <https://doe.ir> [in Persian].
- 9 -Cornish, Lisa, (2019), UN report details global failure to enforce environmental laws, <https://www.devex.com>.
- 10 -Davari, Kamran; Rashidi, Mohammad; Omranian Khorasani, Hamid, (2018), the necessity of revising the law on fair distribution of water in Iran, *Public Policy Quarterly*, Volume 5, Number 3, pp. 19-20 [in Persian].
- 11 -Duit, andreas, 2014, Introduction: The Comparative Study of Environmental Governance, In: *State & Environment The Comparative Study of Environmental Governance*, Edited by andreas Duit, The MIT Press, 1-23.
- 12 -Dungan, J.L., Perry, J.N., Dale, M.R., Legendre, P., Citron-Pousty, S., Fortin, M.-J., Jakomulka, A., Miriti, M. & Rosenberg, M.S, (2002), A balanced view of scale in spatial statistical analysis. *Ecology*, 25(5): 626-640.
- 13 -Ebtakar, Masoumeh, (2016), I am opponent of the integration of environment with natural resources, *Quds Online News-Analytical website*. Available online at: <http://www.qudsonline.ir> [in Persian].
- 14 -FAO, (2019), <http://www.fao.org>.
- 15 -Faryadi, Masoud, (2018), pathology of inter-organizational cooperation in environmental protection in Iranian administrative law, *Administrative Law Quarterly*, year 6, number 16, pp. 109-131 [in Persian].
- 16 -Hannigan, John, (2013), *Environmental Sociology*, translated by Musa Anbari, Anwar Mohammadi & Milad Rostami, third edition, Tehran University Press [in Persian].
- 17 -Haqiqat, Seyedsadegh, (2002), the confrontation of behaviorism & institutionalism in political science, *Quarterly Journal of the Methodology in Humanities*, year 14, number 55, pp. 139-154 [in Persian].
- 18 -Harris, T.M, 2006, Scale as artifact: GIS, ecological fallacy, & archeological analysis, in *Confronting Scale in Archaeology issues of Theory & Practice*, Gray Lock & Brian Leigh Molyneux (Eds), Springer.
- 19 -Helisaz, Arshak, (2017), the challenge of the ecosystem in environmental policy-making, the first conference on governance & public policy-making, Tehran [in Persian].
- 20 -Helisaz, Arshak, (2019), soil, L& subsidence, Land subsidence. *Sharq newspaper*, pp. 1-2. Available online at: <http://sharghdaily.com> [in Persian].
- 21 -Helisaz, Arshak; Bahrahi, Fahima & Ostadhadi Dehkordi, Sohrab (2013), The ordinal Effect of Spatial Scale in Earth & Environmental Science Studies, *Earth Science Research*, Year 4, Number 13, pp. 17-36 [in Persian].
- 22 -Hosseinizadeh, Seyyed Mohammad Ali, (2012), from institutionalism to discourse: an introduction to the application of institutionalist theories in political science, year 15, number 60, pp. 83-109 [in Persian].
- 23 -Ioris, Antonio Augusto Rossotto, 2014, *The Political Ecology of the State The basis & the evolution of environmental statehood*, Published by Routledge.
- 24 -Jamshidi, Alireza, (2009), environmental protection in the approach of public institutions, derived from environmental law: theories & procedures, legal & parliamentary affairs administration of the Environmental Protection Organization, Khorsandi Press, pp. 105-115 [in Persian].
- 25 -Javaheri, Mohammad Saeed, (2009), Environmental protection in the approach of public institutions, derived from environmental law: theories & procedures, legal & parliamentary affairs administration of the Environmental Protection Organization, Khorsandi Press, pp. 55-64 [in Persian].

- 26 -Keyvani Amine, Mohammad, (2006), knowing the school of institutionalism, *andisheh Sadeq Quarterly*, No. 22, pp. 91-119 [in Persian].
- 27 -Kniill Christoph, Shikano Susumu, & Tosun Jale, 2014, Explaining Environmental Policy Adoption: A Comparative Analysis of Policy Developments in Twenty-Four OECD Countries, In: *State & Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, Edited by andreas Duit, the MIT Press, 53-79.
- 28 -Krippendorff, Klaus, 2004, *Content Analysis An introduction to its methodology*, Second Edition, Sage Publications, Inc.
- 29 -Maljean-Dubois, Sandrine, (2017), the effectiveness of environmental law: a key topic. The effectiveness of Environmental Law, *Intersentia*, halshs-01675498.
- 30 -Meadowcroft, James, Comparing Environmental Performance, 2014, In *State & Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, andreas Duit Ed: The MIT Press, pp. 27-51.
- 31 -Mohammad Vali Samani, Jamal, (2005), Directorate of Water Resources & Sustainable Development, Bureau of Infrastructure Studies, serial number: 7374 [in Persian].
- 32 -Moradi, Jamshid, (2019), revitalization of public rights in the field of environment, the meeting of the head of the judiciary system with environmental activists. Available online at: <http://dadiran.ir> [in Persian].
- 33 -National Environmental Document of the Islamic Republic of Iran, 2012, Environmental Protection Organization [in Persian].
- 34 -Niazi, Mohammad, (2008), environmental protection in the approach of public institutions, derived from environmental law: theories & procedures, legal office & parliamentary affairs of environmental protection organization, *Khorsandi press*, pp. 29-35 [in Persian].
- 35 -Onwumele, andrew, (2011), Appraising The Institutional Framework For Environmental Management In Nigeria, *Journal of Advanced Research in Management*, ASERS Publishing, vol. 2 (2), p.p.254-260.
- 36 -Poursaid, Farzad, (2002). Theorizing in political science, the reflective approach of study, *Strategic Studies*, No. 16, pp. 591-600 [in Persian].
- 37 -Quattrochi, Dale. A & Goodchild, Michael. F, 1997, *Scale in remote sensing & GIS*, CRC Press.
- 38 -Rajabi Tarkhorani, Mohammad, (2005), An introduction to the logic & theory of sets with an intuitive view, *Basic Science Press* [in Persian].
- 39 -Ramezani Baseri, Abbas & Mirfardi, Asghar, (2014), Explaining Institutionalism & Its Tendency to the Development, *Economic Magazine*, Year 14, No. 3 & 4, pp. 121-138 [in Persian].
- 40 -Saed, Nader, (2009), Considerations about the perspective of comparative environmental law, taken from *Environmental Law: Theories & Procedures, Legal & Affairs Administration of the Environmental Protection Organization*, *Khorsandi Press*, pp. 74 -65 [in Persian].
- 41 -Selajageh, Ali, (2019), Revival of public rights in the field of environment, a joint meeting between the head of the judicial system & environmental activists. Available online at: <http://dadiran.ir> [in Persian].
- 42 -Sewell, W.R.D; Coppock, J.T & Pitkethly, Alan, 2003, *Institutional innovation in water management: the Scottish experience*, Taylor & Francis Inc.
- 43 -Sjöstedt, Martin, 2014, Enforcement & Compliance in African Fisheries: The Dynamic Interaction between Ruler & Ruled, In *State & Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, andreas Duit Ed: The MIT Press, pp. 265-292.
- 44 -Sommerer, Thomas, 2014, Early Bird or Copycat, Leader or Laggard? A Comparison of Cross-National Patterns of Environmental Policy Change, In: *State & Environment The Comparative Study of Environmental Governance*, Edited by andreas Duit, The MIT Press, 149-177.
- 45 -Tabrizi, Mansoureh, (2014). Qualitative content analysis from the perspective of analogical & inductive approaches. *Journal of Social Sciences*, No. 64, pp. 105-138 [in Persian].
- 46 -The final statement of the conference on environmental rights & progress of the country, (2007), *Organization of Environmental Protection* [in Persian].
- 47 -The Law of fair distribution of water, *Research Center of the Islamic Council*. Available online at: <https://www.majlis.ir> [in Persian].
- 48 -The Law of Soil Protection, *Islamic Council Research Center*, Available online at: <https://www.majlis.ir> [in Persian].
- 49 -Vaez-Javadi, Fatemeh, (2009), Environmental protection in the approach of public institutions, derived from environmental law: theories & procedures, legal office & parliamentary affairs of environmental protection organization, *Khorsandi press*, pp. 17-21 [in Persian].